

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(پہون مذاکرات قبل تو دور)

شنبہ ۴ اسفند ماہ ۱۳۱۳ - ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۲۹۹

قیمت اشراک { سالیانہ : ۱۰۰ روایں
داخلہ : ۷۹ روایں
تک شماره : دو روایں

مطبعہ مجلس

قضای مشتمل بر پنج ماده که در اردیبهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴ بین دولت شاهنشاهی و دولت سوئیس در برن امضاء شده تصویب مینماید .

رئیس - عهدهنامه مودت مشتمل بر پنج ماده مطرح است: مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) در ماده اول اعتراضی فرسیده است. آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. در ماده دوم اشکالی نیست؟ (گفتند - خیر) کتابچه موافقت بر خیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. در ماده سوم هم اعتراضی فرسیده است. آقایان موافقین بر خیزند (جمعی کثیر برخاستند) تصویب شد. ماده چهارم مطرح است: اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانیکه همراهند قیام کنند (گروهی قیام کردند) تصویب شد. ماده پنجم: در آنهم اشکالی نیست (اورنگ - خیر) موافقین برخیزند (اکثر نمایندگان قیام کردند) تصویب شد. قرارداد اقامت مشتمل بر ده ماده مطرح است: ماده اول: اشکالی نیست؟ (اشکالی نبود) آقایان همراهان برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده دوم: در این ماده هم اعتراضی نیست. کتابچه موافقت قیام فرمایند (عده ای بلند شدند) تصویب شد. ماده سوم مطرح است: اعتراضی ندارد؟ (اظهاری نشد) آقایان موافقین برخیزند. (جمعی برخاستند) تصویب شد. ماده چهارم اعتراضی دارد؟ (اورنگ - خیر) کتابچه با این ماده همراهند قیام فرمایند (گروهی قیام کردند) تصویب شد. ماده پنجم: ایرادی ندارد؟ آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. در ماده ششم هم اعتراضی نیست بنا بر این آقایان موافقین قیام فرمایند. (گروهی بلند شدند) تصویب شد. ماده هفتم هم ایرادی ندارد آقایان همراهان برخیزند (جمع کثیری قیام کردند) تصویب شد. ماده هشتم ایرادی دارد؟ (گفتند - خیر) پس کتابچه موافقت برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده نهم آیا اعتراضی دارد؟ (اظهار شد - خیر) بنابراین همراهان برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. در ماده دهم هم اشکالی نیست. آقایان موافقین بر خیزند (اکثر قیام کردند)

تصویب شد. قرارداد وجه الضمانه مطرح است: ماده اول اشکالی ندارد آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. در ماده دوم هم ایرادی نیست؟ (گفتند - خیر) آقایان همراهان قیام فرمایند (عده زیادی قیام کردند) تصویب شد. ماده سوم ایرادی ندارد آقایان موافقین بر خیزند (اکثر قیام کردند) تصویب شد. در ماده چهارم اعتراضی فرسیده است آقایان موافقین قیام فرمایند (گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده پنجم مطرح است: در آن هم اشکالی نیست. موافقین برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده واحد را قرائت میکنیم و رأی میکنیم: ماده واحد - مجلس شورای ملی عهدهنامه مودت مشتمل بر پنج ماده و یک پر تنکل اختتامیه و قرارداد اقامت مشتمل بر ده ماده و قرارداد وجه الضمانه قضای و مطابق قضای مشتمل بر پنج ماده که در اردیبهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴ بین دولت شاهنشاهی و دولت سوئیس در برن امضاء شده تصویب مینماید .

رئیس - آقایانیکه با ماده واحد که متذکر بر هر سه قرارداد است موافقت فرمایند (جمعی کثیر برخاستند) تصویب شد.

[۳ - دور لایحه تعیین تکلیف دعاوی موجوده بین اتباع ایران و اتباع خارجه]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به تعیین تکلیف دعاوی که بین اتباع ایران و اتباع خارجه موجود است قرائت مینماید:

خبر کمیسیون

چنانچه خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است در اوایل سنه ماضیه ۱۳۱۲ لایحه ای از طرف دولت بنمره ۸۸۱۴ راجع بتوضیح وتفسیر ماده اول (قانون تعیین تکلیف دعاوی موجوده بین اتباع ایران و اتباع خارجه) به مجلس شورای ملی پیشنهاد و بکمیسیون عدلیه آزمان ارجاع گردید

لایحه مزبور در کمیسیونهای سابق مطرح و در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۱۲ از طرف کمیسیون مربوطه خبری بعنوان شور اول جهت نمره ۲۴ تهیه گردیده که راپورت مزبور هم

برای جلب نظر به آقایان نمایندگان محترم طرح و توزیع شده است ولی از فرار معاروم بواسطه ضیق وقت و موانع دیگر فرصتی برای شور ثانی در آن کمیسیون باقی نمانده و در نتیجه لایحه مزبور بکمیسیون عدلیه ارجاع گردید.

کمیسیون فعلی در چندین جلسه با حضور آقای وزیر عدلیه لایحه مزبور و خبر کمیسیون را تحت شور و مذاقه فرار داده با موافقتی که در اصل لایحه حاصل بود توافق نظر حاصل شد که لایحه مذکور در مجلس شورای ملی مطرح و مورد تصویب واقع گردد ولذا ماده واحد با اصلاحاتی بشرح ذیل تنظیم و برای شور اول موافقت گردیده و اینک راپورت آن را تقدیم مینماید که مورد شور و مطالعه آقایان نمایندگان محترم واقع شود.

ماده واحد - مقصود از ماده اول (قانون تعیین تکلیف دعاوی موجوده بین اتباع ایران و اتباع خارجه) مصوب ۲ خرداد ماه ۱۳۰۸ این است که دعاوی بین اتباع ایران و اتباع خارجه که تا بیستم اردیبهشت ۱۳۰۸ در وزارت امور خارجه با کارگزاریها یا بازو حکام ایالات و ولایات (در مواردیکه حکام مزبور حق رسیدگی باین قبیل دعاوی داشته اند) و یا در سایر مراجع عالی دولتی وقت قطع و فصل گردیده و مطابق معمول وقت از دعاوی مختومه محسوب و اجرا گردیده قابل رسیدگی و حکم در محاکم نخواهد بود و اگر دعوائی از این قبیل در محاکم عدلیه مطرح شده باشد دعوی در هر مرحله که باشد محاکم مکلف به رد آن هستند.

رئیس - شور اول است. آقای دکتر طاهری فرمایشی داشتند؟

دکتر طاهری - بنده خواستم که آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند که مفاد آن ماده اول چطور بوده است که مستلزم این توضیح نسوی شده است و چه اشکالی در آن ماده بوده است که این یکی باید اینطور آرا تفسیر بکند.

وزیر عدلیه - (آقای صدر) - آقایان محترم مسیوق هستند که در سابق دعاوی بین اتباع ایران با خارجه بيك شکل خاصی در محاکمات وزارت امور خارجه با کارگزاریها قطع و فصل مینمید (صحیح است) ولی در عین حال هم نمی توان گفت که محکمه وزارت امور خارجه مثل محکمه عدلیه استقلال داشته است (صحیح است) بیش از اینهم البته آقایان میدانند که مقتضی بیست يك توضیحاتی بنده بدم (صحیح است) در آن موقع بهیضی از موارد اتفاق می افتاد که بيك دعاوی پیش می آمد که بيك پیچیدگیهایی پیدا می کرد و بيك اشکالاتی پیش می آمد با از جهات حق با از سایر جهات دیگر مبرفت همینطور بمراحل بالاتر و آهم مثلا در دربار دولت رسیدگی میشد و وزرا مینشستند و قطع و فصل می کردند و بيك تریبیسی حل می شد. دولت در نظر دارد که آن دعاوی که در آن تاریخ معمول وقت (قانون گذشته است) مطابق مقررات وقت (هر چه بود) یعنی مقرراتی که معمول وقت بوده است وقتی که دعاوی قطع و فصل شده بود که در آن تاریخ آن دعاوی را قطع و فصل شده مینشمرند و دولت و طرفین اتباع خارجه و داخله بر آن تسلیم بودند یعنی تسلیم بودند که آرا قطع شده و ختم شده تصور می کردند و اجرا هم شده بود دیگر عود نکند. تقاضای که این قانون با آن قانون دارد این است که اگر بيك امری در مراجع عالی دولتی یعنی بالاتر از محاکمات وزارت امور خارجه مقصود است در آن قطع و فصل شده و اجرا هم شده است دیگر آنها برنگردد و عود نکند بقید اجراء اینجا علاوه شده است (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه بپورود در شور دوم ماده واحد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد

[۴ - شور اول قسمت دوم از قانون مدنی راجع به فرایب و نکاح و طلاق]

خبر از کمیسیون عدلیه راجع به قسمت دوم قانون مدنی در خصوص فرایب و نکاح و طلاق:

خبر کمیسیون

لایحه نمره ۲۶۰۸۸ دولت بعنوان کتاب ششم و

وقتی قانون ازدواج را دولت پیشنهاد کرد در قانون ازدواج سن تعیین شده بود در وهله اول در لایحه پیشنهادی ولایت به یکصد و بیست و یک سال و که بیست و یک ساله بود لیکن بعد در اثر یک پیش آمد مالی که منتهی در دست معالغ نیستم آمدند در کمیسیون وزیر عدلیه سابق و بناظر خودشان آراء اصلاح کردند باین موضوع که طرف استرداد صحت داشته باشد و در اجرای این قانون البته چهار اشکال شدند به علت اینکه سن نرسیده است بسن بلوغ لیکن طیب باقیاب اینها یک تصدیق میدادند که به این استرداد صحت دارد باینکه در هر صورت آنچه چهار اشکال کرد دولت را و باینکه را و حقیقه هم چیز خوب نبود که دختری که بسن بلوغ نرسیده است باینها ازدواج کنند و بنده باز برای توضیح یک اشکالی عرض میکنم که در تمام عقود و ایقاعات ما چند رکن و شرط دارد که هر کدام از اینها نباشد بیج واقع نمیشود مثلاً باید متعادلین به بلوغ و عقلی باین بلوغ رسیده باشند شانزده سال تمام به هیچوجه سال تمام داشته باشند عاقل باشند آزاد باشند رشید باشند غیر مجبور باشند آنوقت آن عقد واقع میشود و هر یک از این ارکان موجود نباشد عقد واقع نمیشود البته در ازدواج هم همینطور است باید بالغ باشد رشید باشد آزاد باشد غیر مجبور باشد حالا در مجبوریش یک حرفی هست که قیم میتواند و الا آن محاکم و باطوریکه عرض کردم گرفتار شده اند که باید تصدیق صحت بیآورند اینجا و در کمیسیون مذاکره شد که سن دختر را پانزده سال و پانزده سال قرار بدهند به علت اینکه پس در آنوقت هم بالغ است و هم رشید و دختر هم بالغه و رشیده است بعد یک موضوعی مذاکره شد که گاهی اتفاق می افتد یک قضایایی که اگر در سن پانزده سال بطور مطلق قرار دادیم شاید چهار اشکال شویم مثل همین قضیه و مثل که آقای وزیر عدلیه فرمودند در قانون متفیات عفت یک ماده است که اگر کسی آمد و کار منافی عفت کرد اگر ازدواج کرد با او از مجازات معاف است حالا یک همچو اتفاقی

افتاده است برای اینکه اینها از مجازات معاف باشند و یک راهی هم باشد که بتواند دختر سیزده ساله را هم عقد کنند ولی عرض این نیست که هر دختر سیزده ساله را عقد کنند تصدیم این است که بطور استثنا این راه را باز گذارده اند برای این موقع و الا سن حقیقی همان پانزده سال از برای دختر و ۱۸ سال از برای پسر است و الا قضیه این نیست که دختر سیزده ساله را عقد کنند
رئیس - آقای کاشف
کاشف - با همه این توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه و غیر در این قسمت دادند متأسفانه بنده قطع تصدیم برای اینکه یک همچو پیش آمدی که شاذ است و نادر اینرا نمیشود قاعده کلی قرار داده و در هر صورت در سیزده سالگی نباید ازدواج واقع شود برای اینکه استرداد ندارد و بعقیده بنده ما نباید یک همچو اصلی را قائل شویم و اینهم که فرمودند بلیقه ها مختلف است و چهارده ساله خوبست بعقیده بنده چهارده ساله در همان شهر مطلوب است و بعقیده بنده نوزده ساله که دختر بهمانای حقیقی رشد عقلی نرسیده است نباید بجایه نکاح در آید و غیر از این باشد ضرر است علاوه بر این همینطور که در قانون سابق بود بنده هم عقیده مند بودم باینکه بعد از بلوغ و رشد حقیقی طبیعی باشد و یک چیزی است که از طرف متخصصین هم تصدیق داده میشود پانزده الی شانزده باشد اشکالی ندارد ولی قید به سال کردن آهم سیزده سال را بنده عقیده ندارم.
وزیر عدلیه - اولاً آقایان البته ملتفت هستند که در سیزده ساله ازدواج دور شد است یک رشد جسمانی است و یک رشد عقلی برای صحت عقود و انشاء که او مشترک است با معاملات چون عقد بر معاملات عقد بر مال است و مال جز خودی العقول نیست. طرفین باید رشد عقلی داشته باشند و رشید باشند که آن قانونش سابق گذشت و آن رشد را هیچجه سال قرار داد آن بجای خودی هست و البته اینجا هم قید شده است

که بعد از پانزده سال هم میتواند تزویج شود باز تا بهجده رسیده است باید با اجازه ولی و قیم باشد پس اینجا مقصود همان رشد جسمانی است در واقع قابلیت جسمانی است عقد و نکاح در اشخاص رافع میشود غیر از عقد معاملات است در این قسمت سن پانزده توضیحات داده شد و دیگر محتاج بتوضیح نیست اما در قسمت استثنائی فقط برای این است که راه قانونی باز باشد نه اینکه مورد عمل واقع شود و همیشه معمول به باشد در قوانین خارجی هم این هست این قسمت را هم باید بدانیم که نوعاً در بعضی از قوانین رشد جسمانی و طبیعی تفاوت دارد و همه جا یکسان نیست در بلاد گرمسیر رشد زودتر حاصل میشود یعنی رشد جسمانی و او جسمانی در جاهای سرد سیر دیرتر حاصل میشود آنجا هم که سن رشد را بیست و بیست یک قرار داده اند در مورد ازدواج استثنا دارند ولی استثنا باینکه طرز مخصوصی است باینکه اجازه رئیس جمهور است یا با اجازه دولت است یا با اجازه وزیر عدلیه است بیک ترتیبی و اینجا مناسب دانستیم با اجازه محکمه باشد با شرط پیشنهاد مدعی العه و در موارد مهمه موارد مهمه البته باید خیلی اهمیت داشته باشد یعنی یک مصالحی وجود باشد که جایز باشد از این یک آندری تخطی کردن و موارد استثنائی را نباید طوری شهره که ضرر به مصالح عمومی است و مصالح عمومی در همان سن معمولی رعایت شده که همان پانزده و هجده است.
رئیس - آقای آفر
آفر - البته هر یک از بیانات بجای خوردن صحیح است ولی یک مصالحی در آن قانون بود که آن مصالحی فعلاً از دست میبرد و آن رشد صحت است که البته وقتی رشد صحتی موضوع بحث بود امراض از قبیل سفلیس و غیره مراعات میشود که اشخاصی که گرفتار اینگونه ازدواجها میشوند بالاخره علاوه بر اینکه برای خود آنها خوب نیست بدفیدای بعضی برای پنج پشت هفت پشت ضرر دارد پس حالا که سن رشد همین شده و رشد صحتی از میان رفت

پس چه باید کرد در این موضوع اگر صبر کنیم و با هوجبات نسخ که در مواد بعد میآید یعنی موضوع جذام که در جیب نسخ میشود خود را قانع کنیم این چه ناپایه دارد خوب است لا اقل سفلیس را ممنوع کنند که یک کسی که سفلیس دارد ممنوع باشد نه اینکه موجب نسخ قرار بدیم یکی هم امام این مذاکرات راجع بازواج است اگر همانطور که فرمودند برضاهای دیگری دارد یکی در اینجا و دیگری در فرانکستان است اصلاً ممکن است تا پنج شش سال بعد دیگر را ملاقات نکنند هیچ مانعی ندارد که وقتی صلحت باشد در سیزده سال ازدواج کنند و منحصر بآن قانون منافی عفت نمیشود خیلی از فروض دارد که مصالح اقتضا میکند و مجرد لفظ عفت که ضرری تولید نمیکند اگر مطلق عفت باشد این است که جواب آقای کاشف را عرض کردم که منحصر بهمان قسمت نمیشود و مصالحی چند دارد که اگر مدعی العهوم موافقت کند بسیار خوب فکری شده است حالا از آن قسمت اول هم اگر بفرمایند اینجا جایز است پیشنهاد کنیم اگر جای دیگر است بفرمایند.
وزیر عدلیه - در هوجبات نسخ نظر آقای آفر تأمین شده است و امراض مسریه و غیره نوشته شده است.
رئیس - آقای عراقی
عراقی - عرضی ندارم
رئیس - آقای هزار جریبی
هزار جریبی - بنده هم عرضی ندارم
عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است (گفتند شد)
بل (آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارند؟
[۵ - معرفی آقای میرزا علی اصغر خان حکمت
بسمت وزارت معارف و اوقاف]
رئیس الوزراء (آقای فروغی) - خاطر آقایان محترم متذکر است که آقای میرزا علی اصغر خان حکمت تاکنون در وزارت معارف و اوقاف سمت کلمات داشتند ولیکن نظر باینکه خدمات ایشان در امور محوله در وزارت معارف

مورد خرسندی خاطر مقدس ملوکانه واقع شد حسب الامر اقتضای این را پیدا کرد که ایشان سمت وزارت معارف را داشته باشند (صحیح است) بنا بر این با کمال مسرت و انتخار حسب الامر همایونی آقای میرزا علی اصغر خات حکمت را بمجلس محترم شورای ملی بسمت وزارت معارف و اوقاف معرفی میکنم. (جسی از نمایندگان - مبارک است)

[۶ - هیئت شور اول لایحه قانون مدنی از ماده ۱۰۴۱]

رئیس - ماده ۱۰۴۱ قرائت میشود:

ماده ۱۰۴۱ - بعد از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام نیز اناث امی نتوانند مادام که به هیجده سال تمام نرسیده اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند

رئیس - نظری نیست (گفتند - خبر) ماده ۱۰۴۲ قرائت میشود:

ماده ۱۰۴۲ - نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از هیجده سال تمام داشته باشد متوقف با اجازه پدر یا جد پدری اوست هر گاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر میتواند با معرف کامل مردی که میخواهد با شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده بدقت ازدواج مراجعه و بتوسط دفتر مزبور مراتب را بنادر یا جد پدری اطلاع میدهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع دفتر مزبور میتواند نکاح را واقع سازد

رئیس - اشکالی نیست ماده ۱۰۴۳:

ماده ۱۰۴۳ - در مورد ماده قبل اجازه رایباید شخص پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر بهمانی تحت قیمومیت باشد اجازه قیم او لازم نخواهد بود.

رئیس - ماده ۱۰۴۴:

اصل سوم - در موانع نکاح

ماده ۱۰۴۴ - نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه بازنای باشد

۱ - نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدان هر قدر که بالا برود

۳ - بین مرد با اناث از اولاد زن او از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشوی واقع شده باشد.

رئیس - نظری نیست. ماده ۱۰۴۷:

ماده ۱۰۴۷ - جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه بعقد مناطق باشد.

رئیس - ماده ۱۰۴۸:

ماده ۱۰۴۸ - هیچکس نمیتواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود

رئیس - ماده ۱۰۴۹:

ماده ۱۰۴۹ - هر کسی زن شوهر دار را با علم بوجود عاقبت زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم بعهده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد میشود.

رئیس - ماده ۱۰۵۰:

ماده ۱۰۵۰ - حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل بتمام یا یکی از امور مذکور فوق بوده و نزدیک هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمیشود.

رئیس - ماده ۱۰۵۱:

ماده ۱۰۵۱ - تفریقی صکه با لعان حاصل میشود موجب حرمت ابدی است.

رئیس - ماده ۱۰۵۲:

ماده ۱۰۵۲ - عقد در حال احرام باطل است و با علم بحرمت موجب حرمت ابدی است.

رئیس - ماده ۱۰۵۳:

ماده ۱۰۵۳ - زنی با زن شوهر دار یا زنی که در عده رحیمه است موجب حرمت ابدی است.

رئیس - ماده ۱۰۵۴:

ماده ۱۰۵۴ - نزدیکی بشبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی بالنکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست.

رئیس - اشکالی نیست. ماده ۱۰۵۵:

ماده ۱۰۵۵ - اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمیتواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.

رئیس - ماده ۱۰۵۶:

ماده ۱۰۵۶ - زنی که سه مرتبه بتزویج زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام میشود مگر این که بعقد دالم بزوجه مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او بواسطه طلاق یا نسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.

رئیس - ماده ۱۰۵۷:

ماده ۱۰۵۷ - زن هر شخصی که به نه طلاق که شش نای آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد میشود.

رئیس - ماده ۱۰۵۸:

ماده ۱۰۵۸ - نکاح مسلمه یا غیر مسلم جائز نیست

رئیس - ماده ۱۰۵۹:

ماده ۱۰۵۹ - تزویج کتابیه جائز است.

رئیس - ماده ۱۰۶۰:

ماده ۱۰۶۰ - ازدواج زن ایرانی یا تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد و کول با اجازه مخصوص از طرف دولت است.

رئیس - نظری نیست؟ (خبر) ماده ۱۰۶۱:

ماده ۱۰۶۱ - دولت میتواند از عواید بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی را با زنی که تبعه خارجه باشد و کول با اجازه مخصوص نماید.

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - بنده این نکته را قبلاً عرض میکنم و عبارت از این است که اگر ما يك عرابی در اینجا

میکنیم یعنی برعکس نیست بلکه تذکر و مشورت است. و الا در هر مسئله اگر دولت بگوید من مقتضی میدانم فلان مسئله بشود یا نشود ما صد در صد موافقیم. يك عراضی بنده داشتیم که در ماده ۱۰۵۹ میخواستم عرض کنم ولی برای حفظ نزاکت مقتضی اندیدم چیزی عرض شود. ولی در این ماده ۱۰۶۱ يك عرضی دارم و آن این است: مطابق احصایه های نفوس دنیا مسلم شده که جنس زن بیشتر از جنس مرد است این هیچ محل شبهه نیست. حالا میگویند در نیت قضیه بعکس است این مربوط باین مناطق بوده و ربطی با کثرت نفوس عالم ندارد. از طرفی هم يك چیزی هست و آن این است که جوان های ما که بخارجه میروند می بینیم که ایشان يك حس تمایل بازواج با خارجی ها پیدا میکنند در حالی که ما در مملکت خودمان زنها و دوشیزکان تربیت شده تحصیل کرده و با کمال داریم. علتی ندارد که این تمایل پیدا شود و تمیذانم چطور شده پیدا شده بنا بر این وقتی که ما میائیم ازدواج زن ایرانی را با بیعه خارجی منوط با اجازه دولت میدانیم ولی بالعکس در اینجا فقط مستخدمین را منوط با اجازه دولت میگیریم. بنده می خواهم عرض کنم آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند این ماده را هم مثل آن ماده بکنند یعنی همان جور که میگوئیم ازدواج زن ایرانی با بیعه خارجی موکول با اجازه مخصوص از طرف دولت است. در این جا هم ازدواج ایرانی با زنهاى خارجی هم از اینکه اشخاص مستخدم دولت باشند یا نباشند آنها با اجازه دولت باشد تا تعادل محفوظ بماند و الا این معامله بهم میخورد.

وزیر عدلیه - اولاً در کلیاتی که نماینده محترم اظهار داشتند معلوم است که دولت هم شبهه ندارد مخصوصاً نظر ایشان همیشه شوروی بوده است در کارها غیر از این هم هیچ محتملی ندارد و نخواهد داشت و خیلی معتوّم که يك حرفهای مفیدی زده شود و آن قسمتی که مقتضی است قبول میکنم و موافقت خواهیم کرد. در ماده ۱۰۵۹

طرفین ازدواج قبل از عقد باید تصدیق صحت مزاج از نقطه نظر امراض زهری ارائه دهند رئیس - پیشنهادات مطرح نمیشود. بکمیسرین مربوط در شورئائی تکلیفش معلوم میشود. آقایانیکه برورود در شور دوم این قانون موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر اجازه بفرمایید جلسه را ختم میکنیم. آقایان سابقه دارند موقع بودجه است و باید کمیسیون

بودجه برای گذراندن بودجه مملکتی آماده باشد. با دولت که مذاکره شد بودجه انشاء الله برای هفته آینده با مقارن آنوقت بمجلس خواهد آمد و این فاصله قدری منصرف فقط در این يك بار خواهد بود. بنابراین جلسه آینده شبیه بازدهم استند سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح وزارت عدلیه.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

يك اشاره کردند ولی بیان نکردند (جشیدی - از آن قسمت صرف نظر کردم) بنده خودم که ملاحظه کردم يك فرسی کردم بر اینکه این ماده حقاً جایز در اینجا نیست. این در کمیسیون اصلاح خواهد شد زیرا چیزهایی که جائز نیست باید در این فصل نوشته شود. اما مسئله اینکه ازدواج زن ایرانی با بیعه خارجی موکول با اجازه دولت باشد. این را البته آقایان میدانند که همیشه مرد مسلط بر زن است و زن مکلف است باطاعت از مرد. زیرا محل اقامتش، مسکنش اختیار امورش همه با مرد است. حتی در اینجا هم که زن مستقل است در مداخله اموال خودش باز هم در خیلی از جاها باید مطیع شوهر باشد بنابراین چون يك جنبه تسلطی از بیعه خارجی بريك نفر ایرانی حاصل میشود و در بعضی جاها ممکن است این مقتضی باشد لهذا با اجازه دولت خواهد بود اما در این قسمت که مردهای بیعه ایران توانند بازتغای خارجی ازدواج کنند مگر با اجازه دولت - این قدری مشکل است. یعنی مداخله زیادی است در زندگی داخلی مردم. نسبت به مستخدمین برای اینکه اینها برای مقصود دیگری بخارجه میروند. اینها در مدت اقامتشان در خارجه هوس می کنند که يك زن خارجی بگیرند و بعد بیاورند اینجا و با کسانی هم سازد و اسباب زحمت میشود از این جهت مناسب نبود مگر با اجازه دولت. چون نسبت به مستخدمین دولت بیشتر قدرت جلوگیری دارد. زیرا مستخدم دولت است. ولی نسبت بسایر افراد کلیه مردم این قدری مشکل است ولی محصلین را ضمیمه فرار بدهیم من موافقم.

جشیدی - بسیار خوب. پس محصلین را ضمیمه کنید. **رئیس** - ماده الحاقیه از طرف آقای ادهم رسیده قرائت میشود.

مقام مقیع ریاست دامت شوکته العالی این بنده پیشنهاد میکنم که در قانون ازدواج ماده ذیل نامین گردد.

قانون

اجازه مبادله عهد نامه مودت و فرار داد اقامت و فرار وجه الضمانه قضائی منعقد

بین دولت ایران و سوئیس

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه مودت مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل اختتامی و فرار داد اقامت مشتمل بر ده ماده و فرار وجه الضمانه قضائی و ارتقاء قضائی مشتمل بر پنج ماده که در ۵ اردی بهشت ۱۳۱۲ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴ بین دولت شاهنشاهی و دولت سوئیس در برن امضاء شده تصویب می‌نماید.
این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن عهد نامه های مشابه است در جلسه چهارم اسفند ماه یکم هزار و سیصد و سی و شش تصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

عهد نامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت سوئیس

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

و

دولت سوئیس

نظر باینکه مایلند روابط دوادبه قدیمی را بین دولین تحکیم نمایند تصمیم بانقاد عهد نامه مودت نموده و برای این مقصود اختیار داران خود را معین نمودند
اعلیحضرت شاهنشاه ایران

آقای میرزا ابوالحسنخان فروغی وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران در برن

دولت سوئیس آقای کیسپ موتا وزیر امور خارجه دولت سوئیس

مشارالیهما بعد از مبادله اختیار نامهای خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

- ماده ۱ - بین دولین ایران و سوئیس و اتباع ملکین صالح خلل ناپذیر و دوستی صمیمانه دائمی برقرار خواهد بود
- ماده ۲ - طرفین متعاهدین موافقت دارند که روابط سیاسی و قونسولی خود را بر طبق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی ادامه دهند و نیز موافقت حاصل است که نسبت به نایندگان سیاسی و قونسولی هر یک از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر مطابق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی رفتار شود . رفتار مزبور بشرط ممانعت متقابله نباید مادیون رفتاری باشد که در باره نایندگان سیاسی و قونسولی دولت کامله الوداد بعمل میآید
- ماده ۳ - طرفین متعاهدین موافقت دارند که روابط قونسولی و تجاری و کمرکی بین ملکین و نیز شرایط اقامت و توقف اتباع خود را در خاک یکدیگر بوجوب یک فرار داد اقامت و یک فرار داد تجاری و کمرکی و یک فرار داد قونسولی بر طبق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی و بر روی اساس تساوی کامل و معامله متقابل تنظیم نمایند
- ماده ۴ - طرفین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات کلیه عهود و فرار داد های منعقد یا عهود و فرار داد هاییکه منعقد گردد و من جمله راجع بهین عهد نامه بشهود برسد و بطریق دوستانه بوسایل سیاسی عادی در مدت متناسبی تسویه نگردد بحکیت رجوع نمایند . این ترتیب در صورت لزوم برای تشخیص این مسئله که آیا اختلاف مربوط به تفسیر یا اجرای عهود و فرار داد های مذکوره میباشد نیز اعمال خواهد گردید حکم محکمه حکیت برای طرفین متعاهدین الزام آور است

برای هر قضاة متنازع قضا محکمه حکیت بنا به تقاضای یکی از طرفین متعاهدین و به ترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت . هر یک از طرفین متعاهدین در ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضا نامه حکم خود را که ممکن است از اتباع ملک خود یا از اتباع ملک ذلتی انتخاب گردد تعیین خواهد نمود . چنانچه در افضاء مدت سه ماه مزبور دولت مدعی طلبها حکم خود را تعیین نماید رئیس دیوان دایمی بین المللی بنا به تقاضای دولت مدعی از بین اتباع دولت مدعی طلبها انتخاب حکم خواهد نمود و در ظرف دو ماه بعد از آن طرفین در باب شرایط فرار نامه حکیت که عبارت از رجوع اختلاف به محکمه حکیت و تعیین صلاحیت آن و اقامه مسائل مختلف قضا و تعیین طرز عمل محکمه برای نبل جعل اختلاف باشد توافق نظر حاصل خواهند نمود و چنانچه مدت دو ماه مذکور منقضی و طرفین در باب فرار نامه حکیت موافقت حاصل نکردند نوبت آن بنا به تقاضای دولت مدعی بخود محکمه حکیت رجوع خواهد گردید . چنانچه حکمین در ظرف مدت دو ماه از تاریخی که این کلام بدهنده محکمه حکیت رجوع شده موفق به تنظیم فرار نامه حکیت نشوند و یا حکمین در مدت متناسبی که باید در نظامنامه طرز عمل حکمین معین شده باشد به تسویه اختلاف نائل نگردند طرفین متعاهدین بکفر از اتباع دولتی را بتوان حکم ذلت انتخاب خواهند نمود چنانچه طرفین در ظرف مدت دو ماه از تاریخ تقاضای تعیین حکم ثالث راجع بانقلاب او موافقت حاصل ننمایند مشترکاً یا در صورتیکه در ظرف دو ماه

بعد از آن قضای مشترکی از طرف آنها بعمل نیاید هر يك از آنها که زود تر اقدام کند از رئیس دیوان داری بین المللی تقاضا خواهد نمود حکم ثالث را از اتباع دولت ثالثی انتخاب نماید . با موافقت طرفین ممکن است صورتی از مالک ثالثی که رئیس دیوان داری بین المللی باید حکم ثالث را منحصرأ از آنها انتخاب نماید بشماره تسلیم گردد طرفین میتوانند راجع بتعیین شخص حکم ثالث قبلاً برای مدت معینی فراری بین خود بدهند

هرگاه تعیین بکنفر حکم ثالث لازم گردد و بین طرفین متعاهدین راجع بر رویه که باید بعد از تعیین حکم مزبور تعیین شود فراری داده نشده باشد حکم ثالث یا دو حکم اولی تشکیل محکمه حکایت داده و محکمه که باین ترتیب تشکیل میشود طرز عمل خود را معلوم نموده و اختلاف را تسویه خواهد نمود کلیه تصدیقات محکمه حکایت با کثرت آراء اتخاذ میشود .

راجع باختلافات دیگر غیر از آنچه مربوط باجراه یا تفسیر عهد و یا قراردادها بوده و بطور رضایت بخشی از طریق عادی سیاسی تسویه نشود طرفین متعاهدین نظر به نهمادیکه بدست عضویت خود در جامعه ملل دارند موافقت میکنند که جز بواسطه مسالمت آمیز متوسل نگردیده و در هر مورد بوسیله قرارداد مخصوصی طرفی را که مناسب میدانند اتخاذ نمایند علاوه بر طرفین موافقت دارند که مقررات این ماده بهیچوجه مانع اجرای مندرجات برتنکل مربوطه بصلاحت اجزای دیوان دائمی داری بین المللی مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۲۰ که از طرف آنها امضاء گردیده است نباشد

ماده ۵ - پس از اینکه این عهد نامه بتصویب رسیده مبادله نسخ نموده آن در اسرع اوقات ممکن در برن بعمل خواهد آمد و بعضی مبادله نسخ مصوبه بموجب اجراء گذارده خواهد شد . بنا براین اختیار دارند مذکوره فوق این عهد نامه را امضاء و بهر خود مرسوم نمودند .

در برن در دو نسخه تحریر یافت بتاريخ پنجم اردی بهشت ۱۳۱۳ مطابق ۱۵ آوریل ۱۹۳۴
محل امضاء - ابوالحسن فروغی
محل امضاء - رونا

برتنکل اختتامیه

در موقع امضای عهد نامه هودت منقده امروز بین دولتهای ایران و سوئیس اختیار داران طرفین اظهار ذیل را که جزء لاینجزای این عهد نامه میباشد نمودند .

طرفین متعاهدین این حق را برای خود محفوظ میدارند که مقررات ماده ۴ عهد نامه هودت را بعد از اقبضای مدت ده سال از تاریخ اجرای عهد نامه مزبوره مجدداً تحت رسیدگی قرار داده و حتی نسخ نمایند
در برن بتاريخ پنجم اردی بهشت ۱۳۱۳ مطابق ۱۵ آوریل ۱۹۳۴

محل امضاء ابوالحسن فروغی - محل امضاء رونا

قرارداد اقامت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت سوئیس

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

و

دولت سوئیس

که مابین شرایط اقامت اتباع سوئیس در ایران و اتباع ایران را در سوئیس بر طبق عهد نامه هودت منقده امروزه تنظیم نمایند تصدیق بقدر قرارداد اقامت نموده و برای این مقصود اختیار داران خود را تعیین نمودند

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

آقای ابوالحسن خان فروغی وزیر مختار دولت شاهنشاهی در برن

و

دولت سوئیس

آقای گیبس رونا وزیر امور خارجه دولت سوئیس

مشارالیهما پس از مبادله اختیار نامه های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند

ماده ۱ - اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر نسبت بشخص و اموالشان موافق اصول و اصول حقوق عمومی بین المللی پذیرفته شده و از این حیث با آنها مطابق اصول و اصول مزبور رفتار خواهد شد .

مشارالیهما لزاجت دائم قوانین و مصالح امور مالیکی نسبت بخود و اموال و حقوق و مناقشان بهره مند خواهند شد و میتوانند بفاک طرف متعاهد دیگر وارد و از آنجا خارج شده و در آن مسافرت و توقف و اقامت نمایند باین شرط و تا وقتی که موافق قوانین و نظامات جاریه در خاک مزبور عمل نمایند

اتباع مزبوره در تمام این مسائل لز رفتاری که مابین رفتار مملوله نسبت باتباع دولت کامله اورداد نباشد بهره مند خواهند شد مملکت هیچیک از مراتب فوق مانع از آن نیست که هر يك از طرفین در هر موقع مقرراتی برای تنظیم و یا منع مهاجرت در خاک خود وضع نمایند مشروط بر اینکه آن مقررات در حکم تبعیضی نباشد که مخصوصاً متوجه کلیه اتباع طرف دیگر باشد

بعضی است که مقررات ماده فوق خواهد راجعه به مذکره و مقررات عمومی که هر يك از طرفین متعاهدین راجع بشرايط پذیرفتن

کارگران خارجه در خاک خود و اشتغال آنها بشاغل و ضم درود امانت لطف وارد نیارود .

ماده ۲ - مقررات این قرارداد بحق هیچیک از طرفین متعاهدین لطف وارد نمی آورد که توقف اتباع طرف متعاهد دیگر را در موارد مخصوصه خواهد بود از تصدیق قضائی (از لحاظ امنیت داخلی یا خارجی مملکت و یا بوسیله مقررات مربوطه بنظریه عمومی یا موارد اخراج و تربیاتی ضرورت خواهد گرفت که مطابق شرایط حفظ الامن و انسانیت باشد

ماده ۳ - اتباع هر يك از طرفین متعاهدین حق دارند در خاک طرف متعاهد دیگر بشرط رعایت قوانین و نظامات مملکتی مثل اتباع داخله بهره منجمنت و تجارت پر رفاقت و بهر ذیل و حرفه اشتغال ورزند جز آنچه مربوط به اختصارات دولتی یا اختصارات اعطائی از طرف دولت میباشد و یا طوائف و هر قسم تجارت دوره کردی

و نیز حق مذکور فوق شامل مواردی نخواهد بود که بر طبق قوانین و نظامات مزبوره اشتغال يك حرفه منحصرأ باتباع داخلی اختصاص داشته باشد

ماده ۴ - شرکتهای تجارتي از هر قبیل من جمله شرکتهای صنعتی و مالی و زین و ارتباطات و حمل و نقل که بر طبق قوانین یکی از طرفین متعاهدین تاسیس و مقر شرکتی آنها در خاک مملکت مشارالیهما بوده و در آنجا قانوناً بتأیید آن مملکت شناخته شده باشند هویت حقوقی و اهلیت و حق تدافع قضائی برای آنها در خاک طرف متعاهد دیگر شناخته میشود و مبادرت آنها بعملیات تجارتي در مملکت متوقف نمیشود مطابق قوانین و مقرراتی خواهد بود که در مملکت مزبور جاری است راجع بشرايط پذیرفتن شدن شرکتهای مزبوره و اجرای عملیات آنها و همچنین راجع بکلیه مسائل دیگر شرکتهای مزبوره میتوانند بشرط تأیید از قوانین و مقررات مملکت متوقف نمیشود بکلیه عملیات تجارتي و صنعتی بپردازند که مطابق ماده ۴ این قرارداد برای اتباع مملکتی که شرکتهای مذکوره در آنجا تاسیس شده مجاز است با شرکتهای مزبوره از هر حیث با همسان رفتاری شود که با مؤسسات متشابه دولت کامله اورداد بعمل میآید ولی مسلم است مقررات این قرارداد بشرکتهای مزبوره حق نمیدهد مزایای مخصوصی را در حق خود دعوی نماید که در ایران بشرکتهای که ترتیب عملیاتشان بموجب امتیازنامه های مخصوصی معین شده اعطا گردیده است

از طرف دیگر شرکتهای هر يك از طرفین متعاهدین که شرایط عملیاتشان در خاک طرف متعاهد دیگر بموجب امتیاز نامه های مخصوص معین شده است حق نخواهند داشت راجع بر او اینکه در امتیاز نامه آنها پیش بینی شده است مزایایی که بموجب عهد و رفتار داده ای جاری یا ناشی از ترتیب ممانعه دولت کامله اورداد اعطاء میشود دعوی نمایند

ماده ۵ - اتباع هر يك از دولتهای و شرکتهای هر يك از طرفین متعاهدین که در ماده ۴ بانها اشاره شده است در خاک طرف متعاهد دیگر راجع بهره منج مالیات و عوارض و همچنین کلیه تعصبات دیگری که جنبه مالی داشته باشد نسبت بشخص و اموال و حقوق و مناقشان از همان رفتار و حسابی که نسبت باتباع دولت کامله اورداد میشود بهره مند خواهند شد

ماده ۶ - اتباع هر يك از طرفین متعاهدین حق دارند با تأیید از قوانین و نظامات جاریه در خاک طرف متعاهد دیگر حقوق و اموال منقوله تحصیل و تصرف و نقل و انتقال نموده و یا بمرض فروش برسانند و از این حیث با آنها رفتار اتباع کامله اورداد میشود راجع بحقوق و اموال غیر منقوله با اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر در هر حال ممانعه اتباع دولت کامله اورداد میشود و تا امداد قرارداد مخصوصی موافقت حاصل است که اتباع سوئیس در خاک ایران مجاز نیستند اموال غیر منقوله غیر از آنچه برای سلوکت و شغل و یا صنعت آنها لازم است تحصیل و تصرف و یا تنلیک نمایند

ماده ۷ - در منزلت و کلیه اموال غیر منقوله دیگر که اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر بر طبق مقررات این قرارداد تحصیل یا تنلیک یا اجاره نمایند نمیتوان داخل شده و یا به تقصبات مبادرت نمود مگر بهمان ترتیب و مسامحتی که در قوانین جاریه برای اتباع داخله مقرر است

و همچنین رفتار تجارتي (صورت حساب و یا هر قبیل استادی را که در منزلت یا در ادارات اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر باشد نمیتوان مورد تقصبات یا توقیف قرار داد مگر در تحت شرایط و مسامحتی که بموجب قوانین جاریه برای اتباع داخله مقرر است

ماده ۸ - اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر راجع بحمايت خود و اموالشان در پیشگاه حاکم و صاحب امور از همان رفتاری که نسبت باتباع کامله اورداد میشود بهره مند خواهند شد

مشارالیهما مخصوصاً بدون هیچگونه مانعی بتمام دسترس داشته و میتوانند تحت همان شرایطی که برای اتباع دولت کامله اورداد مقرر است ترافع نمایند

تکلیف مسائل راجعه بارتفاق قضائی نسبت باشخاص برضاعت و وجه الامناء مقصود خارجی ما بموجب قرار متقابل مقصود منضم این قرارداد معین میگردد در مسائل راجعه بحقوق شخصی و خانوادگی و ارثی اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر تابع مقررات قوانین مملکت مقبوعه خود میباشد و طرف متعاهد دیگر نمیتواند از اعمال قوانین مزبوره منحرف بشود جز بطریق استثناء و تا حدی که باینجهت رویه علی السوم نسبت بکلیه مالک خارجه دیگر اعمال گردد طرفین متعاهدین موافقت دارند که حقوق شخصی و خانوادگی و ارثی و بیعاریه اخیری حقوق مربوطه با اموال شخصی مشتمل بر مسائل ذیل باشد : ازدواج - ترتیب اموال بین زوجین طلاق - انترافق - جهیز - ابوت - نسب - قبولی فرزندی - اهلیت حقوقی - باوچ - ولایت و قیمومت - حجر - حق وراثت بموجب وصیت نامه یا بدون وصیت نامه - تعقیب و تقسیم ماترک و یا اموال و بطور عموم کلیه مسائل مربوطه بحقوق خانوادگی و کلیه امور مربوطه با اموال شخصی

ماده ۹ - اتباع هریک از طرفین متعاهدین در موقع صلح و جنگ در خاک طرف متعاهد دیگر از هرگونه الزام کار کردن برای دولت متوقفینها معاف میباشند مگر برای جاوگیری از بلاهای طبیعی - مشارالیم از هر نوع خدمت نظامی اجباری چه در قشون یری و غوای بحری و هواییمانی و چه در مورد ماورد یا چریک و هم چنین از کلیه مالیات هائی که بجای خدمت شخصی وضع شده باشد معافیت دارند و اتباع هریک از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر از کلیه قرضه های اجباری معاف میباشند و نمی توان مالیاتهای نظامی یا هر قسم مصادراتی اعم از نظامی یا غیر نظامی و یا انتزاع مالکیت برای مصالح عمومی جز بهمان شرایط و بهمان ترتیب که نسبت با اتباع دولت نامتعلقان اوداد معمول میگردد و بهمان اندازه غرامتهائی که با اتباع دولت کامله اوداد تعلق میگیرد بآنها تحمیل نمود مقررات این ماده شامل شرکتیهای مذکوره در ماده ۴ نیز خواهد بود

ماده ۱۰ - پس از تصویب این قرارداد نسخ مصوبه آن در اسرع اوقات ممکنه در برن مبادله خواهد شد این قرارداد یکماه بعد از مبادله نسخ مصوبه بیوقوع اجرا گذارده شده و مدت پنجسال معتبر خواهد بود و چنانچه ششماه قبل از اقباضی مدت مزبور فسخ نشود بطور ضمنی برای مدت غیر همینی تمدید خواهد یافت در آن صورت هر موقع فسخ آن میتوان مبادرت نمود بشرط آنکه ششماه قبل از وقت بطرف متعاهد دیگر اخطار شود باینکه علیهذا نباید کن طرفین متعاهدین این قرارداد را اضافه و به هر خود بهبود نمودند

در دوازدهم ذریعین نوشته شد بتاريخ ۵ اردی بهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴

امضاء ابراهیم فروغی امضاء

قرارداد وجه الضمانه قضائی و ارفاق قضائی مجانی

برای تکمیل قسمت ۲ ماده ۸ قرارداد اقامت که امروز بین دولین ایران و سوئیس منعقد و امضاء شده است امضاء کنندگان ذیل که از طرف دول متبوعه خود مجاز بودند در مواد ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده اول - هیچگونه حق الضمانه و ودیعه بهر اسم و وسیله که باشد نمیتوان با اتباع یکی از طرفین متعاهدین که محل سکونتشان در ایران و یا سوئیس میباشد اعم از اینکه در پیشگاه محاکم طرف متعاهد دیگر است مدعی یا شخص تک داشته باشند چنان اینک مشارالیم تبه خارج بوده و یا اقامتگاه و محل سکونتشان در مملکت نیست تحمیل نمود .

همین قاعده در مورد وجهی که از مدعی و یا شخص تک بابت تضمین مخارج محاکمه ممکن است مطالبه شود اعمال میگردد ماده دوم - احکام محکومیت به معارف و مخارج محاکمه صادره در یکی از مملکتین متعاهدین بر علیه مدعی یا شخص تک که بموجب ماده یک و یا بر طبق قوانین مملکتی که در آن اقامه دعوی شده از دادن حق الضمانه و ودیعه یا تأدیه وجه تضمین مخارج محاکماتی معاف گردیده اند از طرف مقامات صالحه مملکت دیگر مجاناً بیوقوع اجرا گذارده خواهد شد تقاضای اجرای حکم یا از مجرای سیاسی و یا مستقیماً بوسیله طرف ذی نفع بعمل خواهد آمد .

همین قاعده به تصدیقات قضائی که بموجب آن میزان معارف محاکمه بهدأ تعیین میگردد شامل میشود

ماده سوم - برای اتخاذ رای در مورد تقاضای اجراء مقامات صالحه فقط مراتب ذیل را وسیله گمی خواهند نمود

۱ - آیا بر طبق قوانین مملکتی که حکم محکومیت در آنجا صادر گردیده حکم مزبور اعتبار قضیه محکوم بها را حاصل نموده یا ۲ - آیا آن قسمت حکم که متضمن رای محکمه است مصحوب ترجمه بزبان مملکتی که از آن تقاضای اجرای حکم شده میباشد یا غیر و آیا صحت ترجمه از طرف نمایندگی سیاسی یا قونسولی مملکت تقاضا کننده یا از طرف مترجم قسم خورده یکی از مملکتین تصدیق شده است یا خیر - برای ایفاء بشرطی که در قسمت اول این ماده تحت نمره ۱ مقرر است اعلام صادر از طرف مقامات صلاحیت دار مملکت تقاضا کننده مشعر بر اینکه حکم اعتبار قضیه محکوم بهارا حاصل نموده است کافی خواهد بود . صلاحیت مقامات مزبوره از طرف عالی ترین مأموری که در رأس عدلیه مملکت تقاضا کننده میباشد تصدیق خواهد شد این تصدیق و همچنین اعلامیه مذکور فوق باید بر طبق ترتیبی که در قسمت اول همین ماده تحت نمره ۲ قید شده ترجمه شود مطابق برای اظهار رای در مورد تقاضای اجراء حکم صلاحیت دار میباشد میزان معارف ترجمه و معارف تصدیق صحت آنرا که در نمره ۲ قسمت اول مذکور شده است مدین خواهد نمود مشروط بر اینکه طرف این تقاضا را توأم با تقاضای اجرای حکم بعمل آورده باشد - این مخارج بهترتبه مخارج و معارف محاکمه معسوب است

ماده چهارم - بعضی است موادی که تا ۲ این قرارداد شامل شرکتیهای مذکوره در ماده چهارم قرارداد اقامت بین ایران و سوئیس نیز خواهد بود

ماده پنجم - اتباع هر یک از طرفین متعاهدین در مملکت متعاهد دیگر با رعایت نظامات مملکتی از ارفاق قضائی مجانی مثل اتباع داخله بهره مند خواهند شد

در دو نسخه در برن نوشته شد بتاريخ پنجم اردی بهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴

امضاء ابراهیم فروغی امضاء

اجازه مبادله عهد نامه مودت و برکنال اختتامه آن و قرارداد اقامت و قرار وجه الضمانه منعقد بین دولین ایران و سوئیس شرح فوق در جلسه ۴ اسفند ماه ۱۳۱۳ داده شده است رئیس مجلس شورای ملی - دادگر